



اخبار

نسخه چاپی

نویسندگان

جستجو

ورود

شما اینجا هستید: **هم میهن** / اخبار / **دیپلماسی**

ایران را از تله امنیتی سازی رها کنیم

📄 **دیپلماسی** 🗓 یکشنبه, ۲۹ مرداد ۱۴۰۲



هم میهن

تحریریه روزنامه هم میهن



ساسان کریمی

مدرس دانشگاه تهران

خبر توافق برای آزادی زندانیان دوتابعیتی ایرانی-آمریکایی همزمان با انتقال ۶ میلیارد دلار از دارایی‌های ایران از کره جنوبی به قطر که اخیراً پخش شد را می‌توان نیم‌قدمی به سمت تنش‌زدایی در روابط خارجی کشور دانست. مهم‌ترین خاستگاه‌هایی که منجر به نتیجه فوق شد را اولاً می‌توان کاربست چنین نتیجه‌ای در مخاطب با افکار عمومی آمریکا در آغاز کمپین‌های انتخابات ریاست‌جمهوری دانست و ثانیاً انسجام این تحلیل در سامانه‌ی تصمیم‌سازی ایران برای سیاست خارجی دولت جدید مبنی بر اینکه بدون فرآیندهای نتیجه‌دار با ایالات متحده نمی‌توان از کشورهای دیگر همکاری قابل‌توجهی را انتظار داشت.

مهم است که فرآیند تصمیم‌سازی در سیاست خارجی با آنچه در مواجهه با طرف‌های مقابل به‌عنوان موضع دیپلماتیک یا رسانه‌ای مطرح می‌کنیم الزاماً یکی نباشند و به بیانی گرفتار مواضع اعلامی خود نشویم. واضح است که هیچ طرف مذاکراتی بدون داشتن انگیزه‌ای برخاسته از نوعی نیاز، به مذاکره دست نمی‌زند. وارد شدن به مذاکره قهراً یعنی مذاکره کردن در موضوع مطروحه واجد منافع بیشتری است تا پرهیز از آن.

در حال حاضر به جز روال‌های دائمی سیاست خارجی، سه موضوع بالقوه مذاکراتی در سیاست خارجی ایران مطرح است: مذاکرات احیای برجام با گروه ۱+۴ و ایالات متحده، مذاکرات با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و مذاکرات با کشورهای اروپایی و آمریکا در خصوص استرداد اتباع و گشایش در مبالغ بلوکه‌شده منابع ایران.

البته این سه دسته مذاکره رسماً و تا حدی واقعاً از هم جدا هستند اما طبعاً نه انگیزه‌های آنها و نه نتایج‌شان روی هم بی‌تاثیر نیستند. مذاکرات احیای برجام همچون خود برجام به‌عنوان هدف کلان به دنبال شکستن تلاش‌ها برای امنیتی‌سازی ایران به بهانه برنامه هسته‌ای به شمول غنی‌سازی است و در هدف انضمامی و عملیاتی خود، رفع تحریم‌ها را به قصد گشایش اقتصادی، فروش عادی سهمیه نفت، گاز، پتروشیمی و غیره و نیز جذب سرمایه‌گذاری خارجی پی می‌گیرد. آنچه تاکنون و از رفتار سیاست پی گرفته شده در تمام طول پرونده‌ی هسته‌ای مشخص شده این است که کسی نمی‌تواند منتظر مذاکره با «ایران به زانوافتاده» باشد.

در عین حال واقع امر آن است که از آنجا که بازی تحریم، یک بازی باخت-باخت و با حاصل جمع منفی است، ایران نیز بهره منفی خود از وضعیت حاضر را در محاسبات ملحوظ می‌کند که به جز خسارات نقد و نزدیک، عدم امکان بهره‌برداری از بسیاری از فرصت‌ها نیز در زمره‌ی آن قرار می‌گیرد. بنابراین به واقع از نقطه‌نظر منافع ملی هرگاه ممکن باشد نباید نهایت اهتمام را برای احیای برجام و برداشته شدن تهدیدهای ایالات متحده به خرج داد.

علاوه بر آنکه مهم‌ترین دستاورد برجام فرارسیدن غروب‌های آن است که به‌رغم تمام تصورات اولیه داخلی و موانعی که بر سر اجرای توافق از هر سو ظاهر شده، اینکه هم ایالات متحده از آن خارج شده و هم ایران به‌عنوان اقدامات جبرانی و ذیل مواد ۲۶ و ۳۶ خود توافق از اجرای بسیاری از محدودیت‌های آن دست کشیده است، هنوز در حال سپری کردن زمان خود هستند. ضمن تمام طراحی‌هایی که برای کنشگری در موضوعات ۵+۱ برجام و آژانس صورت می‌گیرد همواره باید این معنا را در نظر داشت که غروب‌های برجام (در اکتبر سال جاری و مهم‌تر در ۲۰۲۵) که نقش اساسی در زدودن فضای امنیتی‌سازی‌شده از برنامه هسته‌ای دارند حفظ شوند.

محور دوم که مدام هم برقرار بوده ارتباط کشور با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است که لااقل در سطح جهانی، وجهی فنی دارد. ایران بالقوه سه دسته نظارت را در دستور کار دارد: نظارت‌های پادمانی که مربوط به توافق ایران و آژانس به سان همه دیگر کشورهاست. نظارت‌های مربوط به اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی و نظارت‌های ذیل برجام که تقریباً می‌توان گفت این دو مورد اخیر با توجه به شرایط توضیح داده‌شده حول برجام در حال حاضر اجرایی و عملیاتی نیستند.

آژانس طبیعتاً همواره تأکید بر وجه فنی خود دارد اما کسی نمی‌تواند منکر تاثیر کشورهای غربی بر نوع گزارش‌دهی آن شود. طبع گزارش‌های مدیرکل آژانس نوعی غیرقطعی بودن را در ذات خود دارد: به هنگامی که اراده بر رفع موانع فیما بین دارد «شواهدی مبنی بر تخلف ندارد» یا «سوال دیگری ندارد» و در وقتی که اراده بر عدم رفع مشکلات با یک عضو است «در موقعیتی نیست که بتواند تایید کند هیچ انحرافی وجود نداشته است» و این هر دو بالقوه می‌تواند به شواهدی واحد مطابق شود. بنابراین ضمن کار تخصصی و فنی با آژانس همواره سایه سنگین سیاست بر فعالیت‌ها و گزارش‌های آن قابل مشاهده بوده است.

سوالاتی که آژانس در مورد مکان‌های ادعایی مربوط به سال‌های گذشته داشته است در مواردی با ایران پاسخ داده شده و حتی مدیرکل قانع شده است. این راه می‌بایست ادامه داشته باشد اما با توجه به حجم نظارت‌های آژانس بر ایران در هر سه نوع آن در قیاس با اعضای دیگر، این نهاد نیز می‌بایست متوجه باشد که اولاً همین سطح بالای بازرسی‌ها و نظارت‌ها و پذیرش آنها نشان از عدم اراده ایران بر تخلف معنادار در فعالیت‌های هسته‌ای بوده و ثانیاً ایران برای ادامه همکاری‌ها در توضیح ابهامات ادعایی و نیز بازرسی‌های حجیم همواره به دستاوردهای این همکاری‌ها متوجه است. اگر قرار باشد با هر میزان همکاری باز هم آژانس بی‌توجه به تحلیل ایران به سوال‌های بیشتر یا

تکرار موضوعات پاسخ داده شده بپردازد (که مطابق روش کار شکلی خود می‌تواند این کار را بکند چون هیچ موضوعی در آژانس برای همیشه «تمام» نمی‌شود)، ایران به تدریج انگیزه خود را برای ادامه روند همکاری خود و امنیتی‌زدایی از برنامه هسته‌ای‌اش از دست خواهد داد.

محور بعدی گفت‌وگوها که این روزها اخبار زیادی از آن منتشر شده است موضوع آزادی زندانیان دوتابعیتی در ایران در قبال نرمش ایالات متحده برای انتقال و مصارفی معین از منابع مسدود شده ایران به خصوص در عراق و کره جنوبی است. این نوع مذاکره در واقع مذاکره‌ای زودبازده، عملیاتی، موردی و بیشتر اعتمادساز است. بنابراین هرچند انتقال منابع از کره جنوبی به قطر یا از عراق به عمان و امکان صرف آنها در موارد معین بخش کوچکی از مشکلات ایران را تسکین می‌دهد اما باید در نظر داشت که این دستاوردی شگرف نیست. دولت بایدن در شرایط پیش‌انتخاباتی خود امکان ورود به مذاکرات احیای برجام را ندارد ولی آزادی و بازگشت اتباعش را همواره می‌تواند در فضای سیاسی داخلی و انتخاباتی خود به خوبی عرضه کند.

بنابراین اتفاقات رخ داده را می‌توان حاشیه اعتمادساز و عملیاتی خردی از توافق نانوشته و غیررسمی به قول شایع freeze to freeze دانست که ذیل آن متصور است ایران و ایالات متحده از افزایش سطح تنش در حوزه هسته‌ای و تحریمی خودداری کنند. واقع امر البته این است که همزمان با استقبال از همین سطح از همکاری و تنش‌زدایی نباید آنها را گام‌های اولین یک قرارداد جامع یا به طور اختصاصی احیای برجام دانست که آن نیازمند مذاکراتی درخور و بهنگام است که فعلاً لاقلاً طرف آمریکایی از نظر داخلی موقعیت آن را ندارد.

لازم است دو نکته اصلی را یادآوری کنم؛ یکی اینکه، جای خوشنودی دارد که گویا در اغلب گرایش‌های سیاست داخلی به شمول دولت مستقر، این درک ایجاد شده است که موانع تحریمی، جدی و رفع آنها ضروری است و بدون ورود به سازوکارهای بین‌المللی و عادی کردن مناسبات با هر ترتیبی نمی‌توان گشایش معناداری در ساحت‌های مختلف حکمرانی - به خصوص اقتصاد - ایجاد کرد.

نکته دوم که می‌بایست در تاریخ و بین‌الادهان سیاسی خود ثبت کنیم آنکه فضای بیرون از حوزه اراده ما همیشه ثابت نیست. اگر در اواخر دولت قبل و اوائل دولت فعلی این امکان و اراده در طرف مقابل برای احیای برجام وجود داشت، بعدتر و تا امروز مشاهده شده است که به‌رغم ابراز امیدواری‌ها و خوش‌بینی‌های وزیر محترم امور خارجه و همکاران در سال اخیر، دولت بایدن به علت تغییر در موقعیتش از جمله موضوع رقابت‌های انتخاباتی و مسئله پیش‌آمده برای رابرت مالی، آمادگی خود را برای ورود محتوایی به مذاکرات احیای برجام هر روز بیشتر از دست داده است؛ ما فاصله بسیار زیادی تا رفع تحریم‌ها داریم. بنابراین شرایط محیط همیشه ثابت نیست و اینطور نیست که هرگاه ما اراده به رفع مشکل کنیم اجابت شود؛ فرصت‌سوزی نباید کرد.

قبلی <

> بعدی

📌 نظرهای من

نام *

پست الکترونیک *



نظر خود را اینجا بنویسید ...



۱۰۰۰ حرف باقیمانده

پاک‌سازی

ثبت

پیش‌نمایش



آخرین

پربازدیدترین

منتخب

سرنوشت موبایل ایرانی به کجا رسید؟ ۱۱ مهر ۱۴۰۲

یک خبر ساده اما هولناک ۱۰ مهر ۱۴۰۲

چمن پرحاشیه ۱۰ مهر ۱۴۰۲

مدیران ۱۰ مهر ۱۴۰۲

۲۴

۲۴

درخواست اشتراک



درخواست اشتراک روزنامه هم میهن (ویژه شهرستان تهران)

چنانچه خواهان دریافت روزنامه هم میهن از طریق شرکت پست هستید، فقط کافی است با شماره تلفن ۸۸۳۴۱۶۵۰ تماس بگیرید یا به شماره واتس اپ یا تلگرام ۰۹۱۲۶۸۹۷۰۳۶ پیام دهید. بلافاصله فرم اشتراک روزنامه برای شما ارسال می شود.

لازم به ذکر است هزینه اشتراک به شرح زیر می باشد:

- سه ماهه: ۹,۳۰۰,۰۰۰ ریال
- شش ماهه: ۱۸,۷۰۰,۰۰۰ ریال
- یک ساله: ۳۷,۴۰۰,۰۰۰ ریال

T H E T O W N

فیلمی از علی حضرتی تهیه کننده علی سرتیپی

شهرک





درباره ما تماس با ما



تمام حقوق مادی و معنوی مطالب منتشر شده در این سایت نزد روزنامه هم‌میهن محفوظ است و هرگونه کپی برداری از مطالب پیگرد قانونی دارد.

طراحی و توسعه نرم‌افزار: **استودیو نی**